

اختیار نظام سیاسی است و جامعه از این لحاظ، دچار چندپارگی و پراکندگی نشده، اما در زمینه «اجرا» و «تحقق»، پای شبکه‌ای از نهادهای غیررسمی و اجتماعی نیز به میان آمده و آن‌ها به کنشگران اصلی تبدیل شده‌اند. در واقع، نوعی تقسیم‌کار صورت گرفته و دو عرصه «سیاست» و «اجرا»، از یکدیگر تفکیک شده‌اند و اجرا، تا حد زیادی از قلمروی حاکمیت سیاسی، خارج شده است. این امر، یک انتخاب دلبخواهانه و هوس‌گونه نیست، بلکه حاصل تأمل درباره پیچیدگی‌های شگفت‌آور جامعه کنونی است که امکان «تمرکز» و «انحصار» را زدوده و قدرت را در متن جهان اجتماعی پخش کرده است؛ پس مسئله این است که دیگر همانند گذشته، دولت نمی‌تواند بازیکر انحصاری صحنه تدبیر باشد و نیروهای سیاسی و اجتماعی را در حاشیه نگاه دارد، بلکه فشرده‌گی و تراکم وضع کنونی جامعه، او را بر آن داشته که پاره‌ای از مسئولیت‌های خود را واگذار کند و از حجم و گستره خویش بکاهد.

دست‌کم حدود یک دهه است که آیت‌الله خامنه‌ای نیز در نظام جمهوری اسلامی، بر همین مدار می‌اندیشند و حرکت می‌کنند. ایشان می‌خواهند نقش و منزلت «جامعه» را در «امر سیاسی» پُرنگ کند و از «حوزه عمومی»، یک قلمروی قوی و فعال بسازد. باید نیروها و جریان‌ها و نهادهای فعال در حوزه عمومی، هم در این امر «سیاست‌گذاری» مشارکت و همراهی کنند، هم در مقام «اجرا» و «عملیات». بر این اساس، هرچه که از رویکردهای «تمرکزگرایانه» و «انحصاری» فاصله بگیریم و «بدنه اجتماعی و نخبگانی و نهادی» را در قلمروی سیاست‌ها، به بازیگران نقش‌آفرین تبدیل کنیم، به منطق حکمرانی نزدیک‌تر شده‌ایم. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، رویکرد مردمی در دولت، «بسیار مؤثر» است و این به آن معناست که بسیاری از گره‌ها با حضور و فاعلیت خود مردم، گشوده می‌شوند. ایشان گونه‌هایی از چگونگی نقش‌آفرینی مردم را بیان کرده‌اند که همگی معطوف به مردم‌سالاری پسانتخاباتی هستند، از قبیل (در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۴۰۰/۶/۶؛ در دیدار مردم، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹):

۱-۲- اتخاذ سبک زندگی مردمی و بی‌تکلف بودن در مشی و منش و دوری کردن از منش‌های اشرافی‌گری و از موضع بالا به مردم نگاه کردن؛

۲-۲- رفتن میان مردم و شنیدن بی‌واسطه از مردم؛

۳-۲- حرف زدن با مردم و مشکلات و راه‌حل‌ها را با مردم در میان گذاشتن؛

۳-۲- از مردم کمک فکری خواستن و اینکه صاحب‌نظران و متخصصان که جزو مردم‌اند، نظراتی را ارائه می‌دهند، مسئولان یک سازوکاری را پیش بگیرند که بتوانند از این نظرات استفاده کنند که در حقیقت مردم را در تصمیم‌سازی‌های دستگاه‌های مسئول کشور شریک کنند؛

۴-۲- از مردم کمک عملی خواستن و برای این هم که از ظرفیت‌های مردمی هم در عمل چگونه باید استفاده کرد، سازوکار درست کنند که مردم را در اقدام هم شریک کنند؛

۵-۲- از ظرفیت مردمی برای نظارت عمومی استفاده کنند؛

۶-۲- به وعده‌هایی که به مردم داده می‌شود عمل بشود؛

۷-۲- آنجا که عمل به این وعده امکان‌پذیر نیست، صریح و واضح توضیح بدهند؛

۸-۲- در یک جاهایی یک خطایی اتفاق می‌افتد از مردم عذرخواهی کنید؛ صریحاً بگویید اشتباه شده است؛

۹-۲- گزارش صادقانه، بدون مبالغه و بدون بزرگ‌نمایی خدمات خودتان را به مردم بدهید.